

2. مستور بودن عیب

معیار و ملاک صدق غیبت، عبارت است از کشف امر مستور. اگر مستور باشد، گفتن آن غیبت است. اما اگر ظاهر باشد، صدق غیبت نمی کند.
(مکاسب محرمه، ج ۳۳۴، ص ۸)

مراد از ستر و کشف در اینجا، ستر و کشف برای خصوص مخاطب نیست. بلکه ستر و کشف عرفی است. مستور عرفی آن است که معمولاً کسی از آن عیب خبر ندارد یا بیشتر مردم اطلاعی ندارند. و مکشوف عرفی آن است که مردم معمولاً می دانند این شخص دچار این عیب یا نقص است؛ اگرچه عده ای هم بی اطلاع باشند. (مکاسب محرمه، ج ۳۳۵، ص ۵)

بنابراین ذکر امری که مستور عرفی است، به طور مطلق غیبت است و همچنین ذکر امری که مکشوف عرفی است -یعنی اغلب مردم می دانند، ولی یک عده ای هم خبر ندارند- حتی نزد کسانی که اطلاع ندارند هم غیبت نیست. (مکاسب محرمه، ج ۳۳۶، ص ۱۰)

قدر متیقن از ستر و کشف، ستر و کشف در همان محیط و جامعه است

مقصود از ستر و کشفی که موجب جواز یا عدم جواز ذکر عیب می شود، ستر و کشف در همان محیط و جامعه است. بنابراین جایز نیست انسان آن عیب را در محیط ها و شهرهای دیگر، یا در وسایلی از قبیل روزنامه، رادیو و سایت که امکان انتشار فراوانش وجود دارد، افشا کند.
(مکاسب محرمه، ج ۳۳۶، ص ۱۰)

تقلید از لهجه های مختلف

از لهجه های مناطق مختلف، در صورتی که برای تمسخر و استهزاء باشد، در حرمت آن هیچ شکی نیست؛ اگرچه غیبت نیست؛ چون این لهجه خاص، امر مستوری نیست. علاوه بر اینکه اصلاً عیب نیست؛ از این رو غیبت نیست. اما اگر از روی تمسخر و استهزاء باشد، حرام است و فرقی هم نمی کند که لهجه عمومی منطقه ای را تقلید کند، یا شخص خاصی را. تنها تفاوت در این است که اگر غرض او تقلید لهجه عموم باشد، این اهانت به همه آن جمعیت می شود که طبعاً آثار خاص خودش را دارد؛ مثلاً اگر بخواهد استحلال^[۱] کند، بایستی از یکایک آنها حلالیت بطلبد. اما آنجایی که یک نفر باشد، از یک نفر استحلال می کند. ولی اگر تقلید لهجه برای تمسخر نیست، حرام نیست. (مکاسب محرمه، ج ۳۴۷، ص ۳)

[۱]. طلب حلالیت